

هویت قومی آرامنه :

مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی آرامنه (مطالعه روی آرامنه تهران)

دکترسید محمد صادق مهدوی^۱، فرحناز توکلی قینانی^۲

چکیده

ارمنه ایران یک گروه قومی مذهبی ایرانی هستند که در طول تاریخ چند هزار ساله خود در همزیستی با ایرانیان قرار داشته و از حدود ۳۵۰ سال پیش به دنبال یک کوچ دسته جمعی ، تبدیل به جزیی از ملت ایران شده اند. چگونگی حفظ و تداوم مرزهای دینی و فرهنگی این مردم در طول تاریخ حیات آنها و در جامعه ایرانی هدف این مقاله می باشد و بر اساس یافته های حاصل از این مطالعه به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله به شناخت عناصر هویتی آرامنه پرداخته و سعی می شود با بهره گیری از نظریه های هویت اجتماعی جنکینز و نماد پردازی قومی آنتونی اسمیت به تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر بازتولید و حفظ و انتقال عناصر هویتی ارمنی به نسلهای بعدی و در نتیجه مکانیسم های استمرار قومی آرامنه ایران (تهران) در طول زمان دست یابیم. برای حصول این منظور ، علاوه بر مطالعات نظری و تاریخی ، به کمک روشهای مصاحبه و پیمایش دست به گردآوری داده هادر راستای آزمون فرضیه های مورد نظر (بر گرفته از مبانی نظری) زده و با مطالعه میدانی در صدد اثبات نظریه استمرار قومی اسمیت در مورد آرامنه ایران بر آمدیم. نتایج این مطالعه بیانگر پیوند عمیق گروه مورد مطالعه با عناصر ذهنی و عینی هویت ارمنی و تاکید بر انتقال آنها به نسلهای بعدی بود.

کلید واژه: هویت اجتماعی، هویت قومی، عناصر ذهنی و عینی هویت ، استمرار (پایداری هویت) قومی ، دیاسپورا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۵/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۴/۱

^۱ استاد دانشگاه آزاد اسلامی ؛ واحد علوم و تحقیقات (نویسنده عهده دار مکاتبات) d_mahdavy@yahoo.com

^۲ دکترای جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ؛ واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

اقوام ایرانی مهم ترین و بزرگترین گروههای اجتماعی هستند که هویت فرهنگی (زبانی، قومی) خود را در طول زمان حفظ کرده و به حیات فرهنگی خود ادامه داده اند. برخی از این گروههای قومی از سپیده دم تاریخ جزیی از ملت ایران و سرزمین ایران (پارسیان) بوده اند و گروهی در طول تاریخ به آن پیوسته و تبدیل به جزیی جدایی ناپذیر از آن شده اند. ارامنه ایران از جمله گروههای قومی هستند که در طول تاریخ به این ملت پیوسته اند و اکنون جزیی از آن می باشند. گروهی کوچک که با داشتن مردم و سرزمینی خاص، در جریان تاریخ پرحادثه خود، به سایر سرزمینها کوچ کرده یا کوچانیده شده اند و سرزمین میزبان را به عنوان موطن اصلی خود پذیرفته اند. ملتی فرهنگی که اگر چه افراد آن دارای هویت های ملی مختلفی هستند ولی پیوندهای قومی، مذهبی و فرهنگی خود را با سرزمین و موطن اصلی خود قطع نکرده و پراکندگی و امتزاج و اختلاط قومی آنها با دیگران، مانعی برای حفظ و تداوم هویت فرهنگی متمایز خودشان نبوده است.

سابقه سکونت ارامنه در ایران بخصوص در منطقه آذربایجان مربوط به بیش از دو هزار سال پیش است که دو تن از حواریون حضرت مسیح (ع) برای تبلیغ مسیحیت وارد منطقه آذربایجان شده و از آنجا به ارمنستان سفر کردند و نهایتا باز هم به آذربایجان بازگشته و یکی از آنها در این منطقه مدفون شد (طادئوس مقدس)، با وجود این سابقه طولانی زندگی ارامنه در ایران، تاریخ حیات اجتماعی آنها بصورت یک اجتماع قومی مربوط به چهار صدسال پیش، یعنی زمانی است که توسط شاه عباس صفوی از منطقه جلفا به اصفهان و تعدادی دیگر از شهرهای ایران کوچ داده شدند.

ارامنه ایران تنها بخش کوچکی از ارامنه کل جهان هستند که به دلایل مختلف در طول تاریخ از سرزمین اصلی خود جدا شده و به صورت دیاسپورا در سرزمینهای دیگر سکنی گزیده اند؛ و همین ویژگی، یعنی داشتن یک سرزمین اصلی و جمعیتی که به عنوان یک ملت و یک کشور مستقل در طول تاریخ به حیات خود ادامه داده، آنها را واداشته است که رابطه مادی و معنوی (فیزیکی و روحانی) خود با سرزمین و جامعه اصلی خود را در هر کجا که هستند حفظ کنند.

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۷۳

حفظ این رابطه در هر زمان که مقدور بوده هم بصورت فیزیکی و هم بصورت معنوی (و فرهنگی) صورت گرفته و در هر زمان که به دلیل اشغال سرزمینشان توسط بیگانگان بصورت فیزیکی (رفت و آمد) ممکن نبوده ، بصورت‌های فرهنگی تداوم داشته است . از آنجا که هویت قومی ، هویتی با محتوای فرهنگی است و شامل عناصری مثل نمادها، اسطوره ها، خاطرات، آداب و مناسک خاص می باشد، بقای این عناصر هویتی را در طول نسل‌های متوالی، می توان دلیلی بر پایداری و بقای هویت قومی آنها دانست (اسمیت :۱۳۸۳: ۸۶-۸۴). بقای هویت قومی یک گروه در یک جامعه میزبان بستگی به عوامل و شرایط مختلفی، از جمله شدت و قوت عناصر هویتی قوم اقلیت و سازو کارهایی دارد که باعث ماندگاری آن در برابر فرهنگ اکثریت می شود ، همچنین شرایط اجتماعی جامعه میزبان به بقای عناصر هویتی آنها کمک می کند.

در مورد ارامنه به نظر می رسد که هر دو شرط حضور داشته است. لذا این گروه قومی کوچک در درون جامعه ایرانی به حیات فرهنگی خود ادامه داده است. در واقع الگوی رابطه فرهنگی آنها با جامعه ایرانی از نوع الگوی امتزاج‌گزینی است که براساس آن برخی عناصر فرهنگی بیگانه را اخذ و با فرهنگ خودی امتزاج کرده اند (Abrahamian, 2006: 68).

حفظ این عناصر هویتی در ارامنه ایران، مانع از جذب عناصر فرهنگی ایرانی در آنها نشده و امروزه باید از وجود دو دسته عناصر هویتی در آنها سخن گفت ، عناصر هویت ارمنی و عناصر هویت ایرانی. بنا به تعبیر یکی از اندیشمندان این جامعه " هویت فرهنگی ما، هویت ارمنی است و هویت ملی ما هویت ایرانی است."^{۳۱}

مقاله حاضر در پی آن است که عوامل مؤثر در تداوم ، بقا و استمرار هویت قومی ارامنه ایران (تهران) را به کمک نظریه های هویت اجتماعی جنکینز و نظریه نمادپردازی قومی آنتونی اسمیت شناسایی و تحلیل نماید. برای دستیابی به این هدف لازم است به ماهیت هویت اجتماعی ، مکانیسم های شکل گیری و تداوم آن اشاره کرده و سپس با توجه به عناصر عینی و ذهنی هویت

^۳ دکتر سیمونی ،مدیر گروه زبان ارمنی دانشگاه آزاد اسلامی

ارمنی؛ چگونگی تداوم و بقای هویتی دیاسپورای ارمنی ایرانی را از دیدگاه جامعه شناسی مورد بررسی قرار دهیم.

ماهیت هویت اجتماعی

برخی از صاحب نظران از دو سطح هویت فردی و جمعی صحبت می کنند. هویتی که در روابط بین شخصی بسیار نزدیک، گرم، صمیمی و در عین حال بنا بر ویژگی های منحصر به فرد شخص عمدتاً " برجستگی دارد هویت فردی است. و از سوی دیگر روابط بین گروهی که بر ویژگی های منحصر به فرد گروهی در مقایسه درون گروه با برون گروه قرار دارد موجب برجستگی نسبی هویت جمعی گروه می شود (گودرزی، ۱۳۸۲: ۲۲).

صفت اجتماعی هویت به خوبی بیانگر رابطه این نوع هویت با عضویت های گروهی افراد است. هویت اجتماعی در جمع شکل می گیرد و بیانگر جایگاه اجتماعی افراد هم هست. از ماهیت، سطوح و ابعاد هویت اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده است.

« هویت ها فقط در جوامع وجود دارند. چون این جوامع هستند که آن ها را تعریف و سازمان دهی می کنند.» (گیرنا، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

از دیدگاه جامعه شناختی عضویت های گروهی برای فرد هنجارها و بنیادهای را بدنبال دارد که فرد ناگزیر از تبعیت از آنهاست. چرا که در غیر این صورت از جمع طرد شده و مجبور به قرار گرفتن در انزواست. پس وقتی بحث از هویت مطرح است خود به خود هویت جمعی مورد توجه قرار می گیرد. هویت امری ثابت نیست، حتی هویت های جمعی اموری ثابت و مطلق نیستند، در واقع هویت را باید به صورت یک فرایند در نظر بگیریم. هویت اجتماعی شخص هیچگاه یک موضوع تمام و حل شده نیست. چرا که هویت های اجتماعی همواره در حال شدن هستند. حتی پس از مرگ فرد نیز هویت او میتواند بازنگری قرار گیرد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷۶).

بنابراین معیارهایی که برای هویت می توان در نظر گرفت عبارت است از استمرار در طی زمان و متمایز بودن از دیگران (گیرنا، ۱۳۷۸: ۱۲).

در تعریف جنکینز از هویت اجتماعی نیز مبحث تمایز و تشابه در رابطه با برون گروه و درون گروه مطرح است. از نظر جنکینز هویت اجتماعی عبارت است از:

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۷۵

«شیوه هایی که به واسطه آنها، افراد و جماعت ها در روابط اجتماعی خود، از افراد و جماعت های دیگر متمایز می شوند. هویت اجتماعی برقراری و متمایز ساختن نظام نسبت های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت ها و میان افراد و جماعت هاست (جنکینز، ۱۳۸۱: ۹).

اصولاً تاکید و تمرکز جنکینز در بحث هویت اجتماعی بر تفاوت ها و شباهت هاست. در هویت اجتماعی و یا هویت جمعی بر خلاف هویت فردی به تعبیر جنکینز دیگران در یک بازی رو در رو حضور دارند. منظور از این بازی رو در رو آن است که افراد در مقابل یکدیگر قرار می گیرند. مواجهه بین افراد در درون گروه های مختلف اجتماعی صورت می گیرد فرد در این مواجهه، آنان را که شبیه خود او هستند و دارای سیستم های ارزشی و هنجاری یکسان هستند بعنوان درون گروه، و آنان را که دارای تفاوت و تمایز با وی و گروه وی و سیستم های ارزشی و هنجاری او هستند بعنوان برون گروه شناسایی می کند.

هویت دائماً در حال تولید و باز تولید است. هویت فرد ابتدا در خانواده شکل می گیرد. خانواده در واقع عامل باز تولید عناصر اجتماعی هویت فرد است. هویت بدون داشتن یک استمرار و تداوم در عین تغییر پذیری معنا و مفهوم ندارد. تداوم اجتماعی هویت به معنای آن است که یک گذشته ای برای فرد وجود دارد. در واقع گذشته منبع مهم شناسایی فرد و هویت جمعی او و نیز پیش بینی آینده هویت جمعی اوست. هویت به مرور زمان دستخوش تغییر و تحول نیز می شود و امری پویاست. تداوم اجتماعی مستلزم فرض کردن یک گذشته معنادار است. هویت های اجتماعی پایه هایی هستند که بر آن ها نظم و پیش بینی پذیری در سپهر اجتماعی استوار می شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۷).

تعریف هویت قومی

بعد از تعریف هویت اجتماعی به تعریف یکی از انواع هویت های اجتماعی، یعنی هویت قومی می رسیم، مفهوم قومیت اشاره به ماهیت و ویژگی های یک قوم یا گروه قومی دارد. اگر چه اصطلاح قومیت، اشاره به تفاوت های فرهنگی دارد. ولی معانی مختلفی به خود گرفته است.

قومیت در واقع یک دارایی جمعی و یا چیزی مربوط به یک گروه خاص نیست. بلکه یک رابطه اجتماعی است که در آن کنشگران اجتماعی خود را مشاهده می کنند. و توسط دیگران به عنوان

حمایت هایی از نظر فرهنگی مجزا دیده می شوند (Malesevic, 2004).

به اعتقاد فردریک بارث، از نظریه پردازان ناسیونالیسم قومی، در برابر تعاریفی که بیشتر به محتوای فرهنگی قومیت اشاره دارند، نظریه پردازانی هم وجود دارند که اهمیت کمتری برای عناصر فرهنگی قائلند. دارا بودن خصایص فرهنگی باعث تمایز گروه های اجتماعی نمی شود بلکه کنش متقابل اجتماعی با دیگر گروه هاست که تفاوت ها را آشکار و از نظر اجتماعی معنادار می کند. به عبارت خود بارث، تمرکز اصلی از این نقطه نظر بر مرزهای قومی است که گروه را تعریف می کند نه مواد فرهنگی که در آن وجود دارد (همان، ۳۰).

حال به تعریف هویت قومی می رسیم. هویت قومی بخشی از هویت اجتماعی افراد است که در کنار هویت های دیگر مثل هویت محلی، منطقه ای، نژادی، فرهنگی و غیره قرار می گیرد، ولی باید توجه داشت که هویت قومی در بین سایر هویت ها از اهمیت بیشتری برخوردار است چرا که از جمله هویت های اولیه فرد، محسوب می شود.

آنچه هویت قومی را از سایر هویت های اجتماعی متمایز می کند و به آن اهمیت می بخشد، منابعی است که مبنای شناسایی قومی قرار می گیرند. ریشه های قومی، تبار، اعتقاد به نیای مشترک (چه خیالی، چه واقعی) به اندازه ای اهمیت دارند که از همان ابتدای تولد فرد با آنها بزرگ می شود و بصورت ذهنی و عینی آنها را در خود تجسم می بخشد. نه تنها فرد بلکه گروه قومی نیز در باز شناسی و معرفی خود به عناصر قومی هویت خود ارجاع داده و مورد شناسایی از سوی دیگران قرار می گیرد. از نظر اسمیت اهمیت این انتسابها به حدی است که اگر ملتها خود را به یک ریشه قومی وصل نکنند، فرو می پاشند (همان، ۳۲).

نظریه های هویت اجتماعی و قومی

برای شناخت هویت قومی ارامنه و عوامل مؤثر در پایداری و تداوم آن، مبنای نظری شکل گیری هویت اجتماعی و قومی را بررسی میکنیم.

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۷۷

نظریه هویت اجتماعی جنکینز

ریچارد جنکینز جامعه شناسی است که هویت را از منظر اجتماعی و بر مبنای منابع اجتماعی آن مورد کنکاش قرار می دهد. به نظر او همه هویت‌های افراد از نوع هویت اجتماعی هستند، چرا که منابع این هویتها وابستگیهای اجتماعی افراد است. فرد بر حسب هر یک از موقعیتهای اجتماعی که دارد هویتی را کسب میکند و مبتنی بر منبع هویتی خود از جایگاه اجتماعی متناسب با آن نیز برخوردار می شود. همین تنوع و تعدد هویتی ویژگی های خاصی را با خود به همراه می آورد، از جمله اینکه هویت تبدیل به امری موقعیتی^۱ و گزینشی^۲ میشود. به این معنی که افراد در موقعیتهای اجتماعی خاص برای ابراز وجود از میان هویت‌های خود دست به انتخاب زده و آنچه را متناسب با موقعیت و وضعیت جاری آنهاست بروز میدهند یا به عبارت دیگر برخی از وجوه شخصیتی خود را در مواجهه با برخی شرایط و زمینه های اجتماعی پنهان داشته و از بروز آن خودداری میکنند. به عنوان نمونه فردی که از ابراز عناصر هویت قومی خود با پرهیز از صحبت به زبان مادری و قومی خود اعراض می کند. او در تعریف هویت اجتماعی آن را به یک بازی رو در رو تشبیه می کند و می نویسد:

هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف درک دیگران از خودشان و افراد دیگر (از جمله ما) چیست. هویت اجتماعی هم مانند معنا امری ذاتی نیست و محصول توافق و عدم توافق است " (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸).

در هویت های جمعی موضوع اساسی شباهت و تفاوت است، شباهت میان افراد یک جماعت و تفاوت آنها با جماعات دیگر. جنکینز یاد آور می شود که بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت جمعی، تأکید اولی بر تفاوت و تأکید دومی بر شباهت است. هویت اجتماعی از نظر او یک فرایند است که هیچگاه به تمام و کمال نمی رسد و همواره در حال شدن است. او در تعریف هویت اجتماعی می نویسد:

« هویت اجتماعی به شیوه هایی که بواسطه آنها افراد در جماعت ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت های دیگر متمایز می شوند، اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام مند نسبت های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت ها و میان افراد و جماعت ها است » (همان: ۷)

جنکینز در ادامه بحث از هویت اجتماعی به انواعی از هویت های اجتماعی اولیه مانند انسان بودن ، خویشی ، جنسیت ، خویشاوندی و قومیت اشاره می کند .

ویژگی هویت های اولیه آن است که در مراحل اولیه زندگی کودک تثبیت می شوند و در مراحل بعدی زندگی فرد، نسبت به سایر هویت های او مستحکم تر بوده و در برابر دگرگونی و تغییر از انعطاف پذیری بیشتری برخوردارند . او هویت اجتماعی را هویتی تجسم یافته میداند به این معنا که هویت اجتماعی در قالب عمل اجتماعی تجسم می یابد و خود را نشان می دهد.

مشخصه های هویت قومی از نظر جنکینز :

جنکینز هویت قومی و منبع آن ، قومیت را یکی از هویت های اجتماعی اولیه می داند که کودک با آن اجتماعی می شود . " این هویت ها که در اوان زندگی اختیار می شوند در قیاس با هویت هایی که متعاقباً کسب می گردند ، مقتدرانه تر عمل می کنند و کودک حداکثر می تواند از طریق تعریف درونی در مقابل آنها واکنش ضعیفی نشان دهد تا آنها را تعدیل یا مطابق خواست خود کند " (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۵). از نظر وی هویت قومی تعیین کننده انواعی از نقش هایی است که فرد مجاز به ایفای آنهاست و دارای منزلتی والاتر از سایر منزلت های دیگر می باشد .

با توجه به دیدگاه جنکینز مشخصه های زیر را برای هویت قومی می توان بر شمرد:

- هویت قومی یک هویت جمعی است .
- هویت قومی به عنوان یک هویت اولیه که در دوران پایه فراگیری کسب می شود تبدیل به بخشی از ابزارهای شناخت متعارف یعنی شناخت روابط و نسبت های معمول چیزها می شود
- قومیت امری ازلی ، یعنی ذاتی و تغییر ناپذیر نیست .
- قومیت محک و معیار تجسم یافته خود - شناسایی است
- امکان تغییر هویت [قومی] توسط فرد در شرایطی که احساس ناخرسندی می کند وجود دارد
- تمایز های قومی بر پایه مشخصه های فرهنگی قرار دارند .
- قومیت محکی بر شباهت و تفاوت میان ما و آن ها است.
- هویت مبتنی بر قومیت میتواند جنبه موقعیتی داشته باشد.

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۷۹

- قومیت یک اصل ساختاری مناسبات اجتماعی است و در تجربه اولیه فرد حضور دارد ولی در همه اوقات از برجستگی یکسان برخوردار نیست. در واقع قومیت می تواند بسته به موقعیت هویتی اولیه باشد.

- قومیت امری انعطاف پذیر است.

دیدگاه آنتونی اسمیت

اسمیت از جمله نظریه پردازان ناسیونالیسم است که نظریه جدیدی را با عنوان نماد پردازی قومی مطرح کرده است. وی پس از بررسی نظریه هایی که درباره چگونگی شکل گیری ملت های جدید و مدرن (در قالب ناسیونالیسم های ملی) مطرح شده بودند و هر یک بر اساس شاخص قرار دادن گروهی از عوامل درونی و بیرونی در میان ملتها به دلایل و زمینه های ظهور ناسیونالیسم اشاره داشتند نظریه خود را بر مبنای اولویت بخشیدن به مبانی قومی و عناصر فرهنگی در شکل گیری ملتها ارایه داد. در دیدگاه وی ریشه های قومی ملت های مدرن آنها را به ملتها و گروه های قومی ماقبل مدرن پیوند میدهد. این پیوند از طریق باز تولید عناصر فرهنگی مشترک میان ملت های مدرن و ماقبل مدرن صورت میگیرد که منجر به تداوم قومی یک ملت در طول زمان میشود. او برای اثبات نظریه خود مثالهایی را از ملت های باستانی ذکر میکند که از جمله آنها ملت ارمنی میباشد.

اسمیت بر خلاف اغلب نظریه پردازان ماقبل خود ملتها را صرفاً "پدیده هایی جدید و ساخته دوران مدرن که هیچ ارتباط و پیوندی با گذشته خود ندارند نمی داند بلکه معتقد است هر ملتی دارای یک ریشه قومی است که او را با گذشته دور پیوند می دهد و ناسیونالیسم در واقع با بیرون کشیدن و برجسته ساختن عناصر از پیش موجود ملتها آنها را مجدداً باز تولید می کند. بر همین اساس نظریه نماد پردازی قومی به شناسایی عناصر فرهنگی از پیش موجود ملتها و ریشه های قومی آنها پرداخته و نقش این عناصر در تداوم هویت قومی یک ملت را مورد بررسی قرار می دهد.

به نظر اسمیت همه ملتها دارای یک ریشه قومی هستند ولی از آنجا که ملت به معنای امروزی و مدرن آن پدیده ای جدید است نمیتوان از جمعیت های ماقبل مدرن به عنوان ملت یاد کرد، لذا اصطلاح جوامع قومی را برای اشاره به آنها بکار میگیرد. و شش صفت اصلی را برای آنها ذکر می کند: اسم خاص جمعی، اسطوره اجداد مشترک، خاطرات تاریخی مشترک، یک عنصر

تمایز کننده فرهنگ عمومی یا بیشتر از یک عنصر، اجتماعی با سرزمین مشخص و احساس همبستگی در مورد بخشهای مهمی از جمعیت (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

در دیدگاه اسمیت به ویژه بر نقش عناصر ذهنی در تداوم و استمرار اقوام و شکل گیری ملتها تأکید می شود. این امر به معنای نادیده گرفتن عوامل عینی نیست، بلکه دادن اهمیت بیشتر به عناصر ذهنی مثل خاطره، ارزش، احساسات، اسطوره و نماد است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۴).

استمرار و تداومی که اسمیت و سایر نظریه پردازان قومی از آن یاد می کنند به خودی خود صورت نمی گیرد، بلکه از نظر آنها برخی نهادهای اجتماعی، مذهبی و سیاسی در تداوم بخشی به هویت قومی بیش از سایر نهادها نقش دارند.

عناصر و نمادهای هویت قومی آرامنه

وقتی از هویت قومی آرامنه صحبت می کنیم منظورمان چیست؟ هویت قومی آرامنه از چه عناصری تشکیل شده است. ارمنی بودن به چه معنایی است؟ چه چیزهایی به عنوان نمادها و مشخصه های هویت قومی ارمنی شناخته می شوند؟ آیا می توان از هویت قومی ارمنی به طور کلی چه درمیان دیاسپورا و چه درمیان کسانی که در سرزمین اصلی ارمنستان صحبت می کنند سخن به میان آورد؟ اینها و سؤالاتی از این دست را باید پاسخ دهیم تا بتوانیم از چیزی به عنوان تداوم و پایداری هویت ارمنی سخن به میان آوریم.

تغییر و تحولاتی که در جوامع دیاسپورایی جدید، متناسب با روندهای جهانی رخ می دهند بتدریج از میزان تاثیر عناصر عینی هویت کاسته و بر اهمیت عناصر ذهنی می افزایند. پانوسیان درباره ی ویژگیهای عینی هویت ارمنی می نویسد:

"آجرهای ساختمانی متمایز کننده هویت ارمنی در دوران باستان ریشه در دوران های باستانی دارند: مذهب، زبان، مرزهای سرزمینی، اسطوره ها و نمادها. این ویژگی های تاریخی ارمنی بودن، این گروه راقادر ساخت تا دوران مدرن به حیات خود ادامه دهند و هویت جمعی خود را از شکل یک گروه قومی به {قالب یک} ملت منتقل کنند" (panosian, 2006).

عنصر دیگری که در هویت ارمنی به آن اشاره شد کلیسای ارمنی است که نقطه مرکزی منحصر به فردی در هویت ارمنی بوده است. به نحوی که حتی ناسیونالیسم سکولار ارمنی در مبارزات

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه..... ۸۱

استقلال طلبانه خود، با توجه به قوت و اهمیت این عنصر وارد ضدیت علیه کلیسا و مذهب نشد.

(همان، ۱۸)

نقش تاریخ در هویت ارامنه، از جهت اتفاقات و حوادثی است که در طول تاریخ برای ملت ارمنی به وقوع پیوسته و لذا از نظر پانوسیان تاریخ برای ارامنه همه چیز است.

«تاریخ استخری است که اسطوره های باستانی و خاطره های جمعی از آن بیرون می آید. ملت ها بدون گذشته تناقض هایی هستند. به قول هابزبام آن چه که یک ملت را می سازد گذشته آن است. این اعتقاد به تاریخ چیزی است که هویت را در میان ارامنه حفظ می کند و نگه می دارد (همان منبع،

۲۸)

اسطوره برگزیدگی از جمله عناصر فرهنگی سازنده هویت ارامنه است، به گونه ای که در اولین کتاب های تاریخی که در زمان مخیتار تهیه شده است، ارامنه به عنوان مرکز تمدن مسیحی معرفی می شوند و محل بهشت عدن نیز در ارمنستان دانسته شده و در اسطوره های ارمنی آمده است که حضرت آدم به زبان ارمنی با خدا صحبت کرد و نوح هم در کوه آرازات فرود آمد. این ویژگی ها چیزی است که ارامنه را به عنوان مردم برگزیده معرفی می کند. (همان منبع: ۱۰۵) در اسطوره «هایک و بل» که از جمله داستانهای ارامنه است که در جامعه ارمنی نسل به نسل منتقل می شود. و ارامنه خود را از فرزندان هایک می دانند وی به عنوان فرزند مستقیم نوح شناخته می شود که خانواده اش در اطراف کوه آرازات زندگی می کردند عنصر مهمی از شورش مقدس علیه ظلم شاه بابل را مطرح می کند. این داستان آزادی استقلال و عدالت را در مرکز ریشه های این ملت قرار می دهد و آخر اینکه کوه آرازات را نماد ملی همه ارامنه می کند. به همین دلیل بود که داستان «هایک و بل» در میان ناسیونالیست ها همواره به عنوان پارادایم هویت ارمنی به کار گرفته می شد (همان منبع: ۵۱-۵۲).

لون ابراهامیان نیز در کتاب خود به عناصر هویتی ارامنه اشاره کرده و هر یک از آن ها را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می دهد. اگر بخواهیم نمادهای هویت ارمنی را براساس نوشته های کتاب

ابراهامیان برشماریم باید به موارد زیر اشاره کنیم :

۸۲.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

۱- کوه آرارات ۲- نام ها و نام گذاری ها ۳- بازگشت نمادین به گذشته تاریخی ۴- زبان ارمنی -
الفبای ارمنی ۶- نهضت ترجمه و جشن ترجمه در میان ارمنه ۷- موسیقی ارمنی ۸- کلیسا و دین
مسیحی ۹- ایده بازگشت به سرزمین اصلی ۱۰- سنت های ارمنی
زبان هم یکی از عناصر هویتی است ولی می تواند از فهرست عناصر اساسی و ضروری هویت
قومی حذف گردد. ابراهامیان نیز می گوید:

" در میان مجموعه عوامل سازنده هویت ملی گاه زبان دارای اهمیت چندانی نیست. البته زبان به
عنوان مهم ترین جزء شنیداری هویت ملی است. اما ممکن است افرادی با هویت های مختلف به
زبان واحد صحبت کنند. در واقع اغلب وقتی مردم متوجه زبان خود می شوند که در برابر یک
زبان غریبه قرار می گیرند. زبان مادری یک فرد در برابر زبان غریبه شنیده می شود همانطور که
ملیت وی در برابر ملیت دیگران تبدیل به یک واقعیت می شود (abrahamian, 2004).

با وجود کاهش اهمیت زبان در شناسایی هویت ملی و قومی، زمانی که قرار است از تمام قابلیت های
یک قوم برای بسیج آنها استفاده شود می بینیم که ناسیونالیست ها از همین عنصر برای ایجاد
انسجام و حس ملی استفاده می کنند، چراکه آگاهی ملی از طریق همین زبان صورت گرفته است.
هویت الفبایی^۳ که مبتنی بر زبان نوشتاری است یکی دیگر از ویژگی های هویت ارمنی است. به
نوشته آقای ابراهامیان:

"اگر زبان محاوره ای هویت ملی را منعکس می کند زبان نوشتاری نقش مهمی را در تلاش ها
برای نمادین سازی، مشخص سازی، کد بندی کردن و نهادینه کردن هویت بازی می کند. قوت
خط ارمنی تا اوایل قرن پنجم باعث توسعه هویت ارمنی در طول تاریخ شده است" (همان منبع: ۷۹).
در واقع اختراع خط ارمنی یکی از مهم ترین وقایع تاریخی ارمنه و از عوامل موثر در تحکیم
هویت این قوم بوده است. چراکه تمامی تجربیات، دانش و تاریخ ارمنی از طریق این حروف الفباء
به نسل های بعدی منتقل شدند. حتی در جریان ناسیونالیسم ارمنی و حرکت های استقلال طلبانه
ارمنستان، خط ارمنی، نقش بسیار مهمی را از طریق صنعت چاپ در آگاه سازی مردم چه در
داخل سرزمین ارمنستان و چه در خارج از این سرزمین بازی کرد..

هویت قومی ارمنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارمنه.....۸۳

موسیقی از دیگر عناصر هویتی یک قوم است. از دیدگاه ابراهامیان ، موسیقی هم می تواند مانند زبان چیزهایی درباره تاریخ و هویت یک ملت بگوید. زیرا موسیقی جنبه شنیداری دارد و بدون آن که ذهن را مشغول کند می تواند گوش را بنوازد، لذا نیازی به درک ندارد.

مسیحیت ارمنی و کلیسای مستقل ارمنی، یک از مهمترین عناصر هویت ارمنه و جزء جدا نشدنی آن است. یکی از افتخارات ارمنه در مورد مذهب شان این است که خود را اولین قومی می دانند که مسیحیت را به صورت دولتی پذیرفته اند و لذا دارای سابقه بسیار طولانی در این زمینه می باشند. از طرف دیگر مسیحیت ارمنی ، با جدا شدن از کلیسای بیزانس. شکلی مستقل و مختص به جامعه ارمنی را به خود می گیرد و تبدیل به یکی از نمادهای هویت ارمنی و عامل مؤثر در حفظ و تداوم این هویت می شود.

بخشی از اهمیت کلیسای ارمنی به این دلیل است که در طول دوره طولانی که ارمنه فاقد دولت بودند، کلیسا نقش دولت را هم بازی می کرد. حتی نهادهای آموزشی جامعه ارمنی ابتدا در کلیسا ها شکل گرفته اند. در میان ارمنه دیاسپورا نیز همواره نسبت احترام به مقامات مذهبی وجود داشته است (همان: ۱۱۴-۱۱۵).

بسیاری از تاریخ های مهم یک ملت، وابسته به ایمان آن ها است. مثلا در ارمنه تاریخ تغییر مذهب، یعنی تاریخی که در ارمنی ماندن ارمنه به شکل امروزین نقش بسیار مهمی داشته است و اهمیت این روز از دو جهت است. یکی از جهت مقاومت تاریخی ارمنه در برابر تحمیل دین زرتشتی به آنها که به جنگ آواراير منتهی شد و دوم به خاطر مقابله آن ها با تصمیم شورای جهانی کلیسا ها مبنی بر پیوستن ارمنه به کلیسای بیزانس که با مخالفت آن ها روبرو شد و استقلال کلیسای آن ها را به دنبال داشت (همان منبع: ۱۲۲).

از دیگر عناصر هویتی ارمنه دیاسپورا ، بازگشت به سرزمین اصلی یا خانگی خود می باشد و البته فرقی نمی کند که این ایده به صورت مستقیم بیان شود و یا در سطح خاطره، تفکر و یا عمل نمادین باقی بماند. این ویژگی هویتی در میان ارمنه دیاسپورا ، همواره به شکلی قوی وجود داشته است .

۸۴.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

تمایز یابی و خود را به عنوان یک قوم و یا ملت برگزیده نامیدن از دیگر عناصر هویتی گروه های قومی و از جمله ارامنه است. چنانکه خورناتسی تاریخ نویس مشهور ارمنی سعی می کند تاریخ ارامنه را به گونه ای بنویسد که ثابت کند مردم او دارای یک تاریخ متمایز و اجدادی متفاوت می باشند. لذا ارامنه اعتقاد به یک نیای قوی مشترک به نام «های» دارند و خود را از فرزندان وی می نامند(همان:۳۳۶).

کاربرد این عناصر هویت ساز در جریان جنبش استقلال طلبانه ارامنه در ارمنستان، که منجر به استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ شد، به خوبی بیانگر کارکرد فرهنگی و سیاسی آنها در جامعه ارمنی است. مطالعات دیگری که در مورد روند دولت-ملت سازی در جمهوری ارمنستان صورت گرفته نیز بیانگر کاربرد این عناصر در ملی گرایی ارمنی است. افشین زرگر در رساله دکترای خود تحت عنوان "روند دولت-ملت سازی در قفقاز جنوبی" هنگامی که به مطالعه فرایند استقلال در ارمنستان می پردازد. ملی گرایی ارمنی را بر پایه بکارگیری عناصر فرهنگی و تاریخی این مردم میدانند و به نقش قابل توجه این عناصر در ایجاد یکپارچگی و همبستگی ملی در میان ارامنه اشاره می نماید. عناصری که وی در مطالعه خود به آنها پرداخته عبارتند از: منبع تاریخ غنی قومی، اسطوره ها و نمادهای متنوع تاثیر گذار، اسطوره برگزیدگی، وجود کانون های تخصصی تاریخی (ضدیت با ترکیه)، اسطوره آرارات، اسطوره نسل کشی ۱۹۱۵، سرزمین تاریخی ارمنستان و خصلت دیاسپورایی یا آوارگی ارامنه(زرگر، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۳).

با توجه به آنچه گفته شد میتوان عناصر هویتی ارامنه را بر مبنای دسته بندی آنتونی اسمیت به صورت زیر خلاصه کرد:

عناصر عینی هویت ارمنی: مذهب یا کلیسای ارمنی، زبان، خط، موسیقی، سرزمین و مرزهای سرزمینی، آداب و رسوم و سنتهای ارمنی (جشنها و اعیاد خاص کلیسای ارمنی مثل جشن آب پاشی، جشن اختراع خط ارمنی و جشن ترجمه)، نمادها (آرارات)

هویت قومی ارمنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارمنه.....۸۵

عناصر ذهنی هویت ارمنی: احساس تعلق به جامعه ارمنی، احساس برگزیدگی (اسطوره برگزیدگی، اسطوره هایک و بل)، ایدۀ بازگشت به سرزمین اصلی؛، وقایع تاریخی (نسل کشی ارمنه ، جنگ آواراير)

عوامل مؤثر در حفظ و پایداری هویت قومی ارمنه

در پاسخ به این سؤال که چرا یک گروه قومی اقلیت (با ویژگی دیاسپورایی) در جامعه میزبان به حیات قومی خود ادامه می دهد، دلایل مختلفی ذکر شده است. اریکسون هایلند^۴ به برخی از این دلایل اشاره می کند:

- ترس گروه قومی از محو شدن فرهنگ و هویت خود، بخصوص در زمانی که در برابر تهدید قرار می گیرد

- کاربرد پذیری هویت قومی در رقابت بر سر منابع (Eriksen,1993:32)

- کارکرد علمی هویت در معنا بخشی به زندگی گروه قومی و پاسخگویی به سئوالات آنها در مورد ریشه ها، مقصد و نهایت.

- تلاش برای اعلام وجود و ایجاد یک سرزمین و حاکمیت مستقل با اهداف سیاسی (همان، ص ۷۶).

- مبارزه در مقابل رقیب؛

- وجود برخی عناصر فرهنگی در یک گروه قومی که تضمین کننده بقاء آن گروه می باشند. مثلاً جنبه نمادین هویت در گروه کولی ها .

- زبان، خط و کلیسای مستقل ارمنی که از مهم ترین عناصر تداوم قومی در میان این گروه بوده است.

- ایجاد حس امنیت در اعضای گروه قومی بخصوص به عنوان یک اقلیت در برابر اکثریت

(همان:ص ۷۷)

سایر اندیشمندان هم به دلایل دیگری که در تلاش یک گروه قومی برای تداوم حیات آنها موثرند، اشاره کرده اند. به عنوان مثال:

- فراهم بودن شرایط اجتماعی سیاسی مناسب در کشور میزبان به نحوی که امکان خلق و حفظ

نمادهای قومی را برای گروه اقلیت فراهم می آورد (Safaran in kokot,2004:17 و Panossian, 2005: 296).

در پایداری و تداوم هویت قومی ارمنه، بیشتر دلایلی که بر شمردیم، وجود داشته و دارند. قرار گرفتن در وضعیت اقلیت، تلاش برای حفظ خود در برابر تهدید فرهنگی جوامع میزبان و زنده نگاه داشتن هویت خود، ایجاد حس امنیت و تعلق گروهی برای اعضا، مبارزه برای آزاد سازی سرزمین اصلی و کسب استقلال آن، از جمله دلایلی بوده اند که جوامع دیاسپورایی ارمنی را وادار به حرکت و تلاش برای بقاء فرهنگی و سیاسی نموده اند.

حال باید دید چگونه و به کمک چه مکانیسم ها و نهادهایی جوامع ارمنی به حیات فرهنگی و سیاسی خود ادامه دادند؟ چه عناصری در درون جوامع ارمنی وجود داشته و دارند که وظیفه باز تولید ویژگیهای هویتی این گروه قومی را بر عهده گرفته و آن را تداوم بخشیده و یا می بخشند. محققانی که به تحقیق درباره هویت ارمنه از نخستین زمانها تا دوران مدرن پرداخته اند به برخی از مهمترین عوامل و نهادهای موثر در حفظ و تداوم هویت ارمنه اشاره کرده اند.

مذهب و کلیسای ارمنی همواره دارای نقش اساسی و مبتایی در حفظ هویت ملی و دیاسپورایی ارمنی بوده است. حتی در زمانی که ارمنه فاقد دولت مستقل بودند این کلیسای ارمنی بود که نقش دولت را در سازماندهی جوامع ارمنی بازی می کرد. در طول قرنهای تسلط خارجی ها بر ارمنستان، کلیسا بود که سنتهای باستانی و زبان ارمنی را حفظ کرد و حلقه واسط میان جوامع دیاسپورایی ارمنی با هم و با سرزمین اصلی آنها بود (Abrahamian, 2006 :18 , Baraude, : 31-32 , Nalbanian, 1963). کلیسا نه تنها از جنبه دینی اهمیت داشت بلکه از جنبه آموزشی نیز برای آشنا سازی کودکان ارمنی با فرهنگ، زبان و خط ارمنی اقدام به احداث مدارس می نمود. اولین مدارس ارمنی در کلیساها ایجاد شدند و هنوز هم کلیسا در اداره آنها نقش دارد (هویان، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

در کنار کلیسا که هم در سرزمین اصلی ارمنستان و هم در جوامع دیاسپورایی از عوامل زنده نگه داشتن هویت ارمنی بوده است، سازمانها و نهادهای جوامع دیاسپورایی نیز نقش مهمی در حفظ این هویت داشته اند. پانوسیان و هوانسیان هر دو به نقش تجار ارمنی به عنوان پشتیبانان اقتصادی فعالیتهای روشنگری در تقویت ارزشه و هویت ارمنی جوامع دیاسپورا اشاره کرده و توضیح می دهند که نیروی اقتصادی اجتماعی ارمنه دیاسپورا تاجران ارمنی بودند که بصورت آگاهانه یا نیمه

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۸۷

آگاهانه عامل حفظ و نگهداری هویت ارمنی شدند و با ایجاد شبکه های اقتصادی ضمن کمک به ایجاد مدارس، کلیساها و انتشارات ارمنی (از طریق صنعت چاپ) به فعالیت های روشنگری و تقویت ارزشها و ایده آلهای ارامنه کمک کردند (2 : Hovanisian, 1999, 90 - 76 : Panossian, 2005) جوامع دیاسپورایی بخصوص در شرایطی که ارمنستان تحت سلطه بیگانگان قرار داشت و تولیدات روشنفکرانه و فرهنگی در آن به حداقل رسیده بود، مکانهایی کلیدی برای حفظ هویت ارمنی بودند. در میان این جوامع دیاسپورایی، ارامنه جلفای نو، هندوستان و آمستردام از مراکز اصلی فعالیت روشنفکرانه بودند (20 : Panossian, 2005).

در واقع آنچه که تحت عنوان سازمانهای دیاسپورایی خوانده می شود، در طول چند قرن نقش مهمی در حفظ هویت ملی ارمنی در خارج از مرزهای سرزمین اصلی ارمنستان داشتند. کلیساها، کلوب های اجتماعی، احزاب سیاسی، مدارس، تیم های ورزشی و مراکز فرهنگی ارامنه از جمله مراکز و سازمانهایی بودند که به گفته تولویان نقش "دولت در تبعید" را برای ارامنه خارج از ارمنستان بازی کردند. پانوسیان درباره نقش این نهادها می نویسد:

"... تولویان از این شرایط به عنوان "دولت در تبعید" یاد می کند که به عنوان یک ساختار سیاسی و تولید فرهنگی دارای کارکرده بود و به حفظ، تقویت و اختراع مفاهیم، روایات و نمادهایی که گروه در تبعید را به عنوان یک جماعت قوت می بخشد، پرداخته یا حداقل به آنها کمک کرده است که چنان باشند" (304 : Panossian, 2005).

سرانجام باید از نقش احزاب و گروه های سیاسی ناسیونالیست در جریان استقلال ارمنستان یاد کرد که با رجوع به گذشته تاریخی ارامنه به زنده کردن و باز تولید عناصر تاریخی و هویتی ارامنه پرداختند و در جریان یک سلسله کنش های سیاسی به کمک و مساعدت همه جانبه جوامع دیاسپورا استقلال ارمنستان را رقم زدند.

اشاعه معتقدات مذهبی فرهنگی و معارف عمومی هم در مدرسی که توسط کلیساها اداره می شدند صورت می گرفت. یعنی کلیساها مسئولان نظام آموزشی جامعه بوده و اولین مدارس همواره در درون کلیساها ایجاد می شدند (همان: ۴۴۳).

حیات سیاسی ارمنه نیز مرهون کلیسای ارمنی است. در تمامی دورانی که ارمنه فاقد حاکمیت سیاسی واحد بودند و تحت سلطه قدرتهای دیگر می زیستند، این کلیسای ارمنی بوده است که نقش رهبری جامعه را بعهده داشته و به جای حاکمیت سیاسی اداره امور جامعه را بعهده گرفته است. پاسدارماجیان در اینباره می نویسد:

«کلیسای ارمنی گذشته از این خدمت اساسی که برای حفظ و بقای حیات فرهنگی و معنوی ملت انجام داده، در واقع خود ملت را نیز در چارچوب امپراطوری عثمانی رهبری نموده و نگذاشته است که وجودش در وجود ترکان عثمانی مستحیل شود (پاسدارماجیان، ۱۳۶۹ و ۱۱۴: 2006: Abrahamian).

ویژگی دیاسپورایی ارمنه

شناسایی ویژگی های جامعه قومی ارمنی، بدون در نظر گرفتن ویژگی دیاسپورایی آن ها به خصوص زمانی که در حال مطالعه ارمنه ساکن در کشورهای دیگر (غیر از ارمنستان) هستیم ممکن نیست. اگرچه عناصر هویتی مشترک میان ارمنه ساکن در سرزمین اصلی ارمنستان با ارمنه ساکن در سایر سرزمین ها (دیاسپورا) به تعداد قابل توجهی وجود دارد، اما آنچه به ارمنه ی دیاسپورا ویژگی خاصی می بخشد تجربیات تلخی است که در مقایسه با ارمنه ساکن در سرزمین اصلی در طول تاریخ کسب کرده اند. این ویژگی دیاسپورایی، مطالعه هویت ارمنه در سرزمین های میزبان آن ها را تحت الشعاع قرار می دهد، چراکه تفاوت میان گروه های قومی ساکن در یک سرزمین با گروه های قومی مهاجری که به صورت دیاسپورا به زندگی و حیات خود ادامه می دهند و برای حفظ هویت خود نهادها و سازمان های فرا ملی ایجاد می کنند، بسیار مهم است.

دیاسپورا از نظر لغوی به معنای پراکندگی است. در تعریف دیاسپورا آمده است « هر اقلیت قومی و یا مذهبی که به صورت فیزیکی از سرزمین اصلی خود پراکنده شده بدون در نظر گرفتن علت پراکندگی و بدون توجه به اینکه تا چه حد میان او و سرزمین اصلی اش ارتباطات فیزیکی، فرهنگی و یا احساسی وجود دارد و یا اصلاً چنین رابطه ای دارد و یا ندارد دیاسپورا محسوب می شود» (Kokot, 2004:9).

اصطلاح دیاسپورا در عصر مدرن و با توجه به موج مهاجرت ها و حرکت های جمعیتی که در سطح جهان صورت گرفت معنای وسیعی تری یافته و سایر گروه های قومی و اجتماعی را نیز در

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۸۹

بر می گیرد. به گونه ای که گفته می شود امروزه دیاسپورا شامل اقلیت های قومی، پناه جویان، پناهندگان، مهاجران اقتصادی و گروه های مشابهی که از کشور و سرزمین اصلی خود بیرون مانده

اند، می شود (11: Safaran in kokot, 2004; Abrahamian, 2002: 326; Panossian, 2005: 312)

در جامعه ارمنی ایران همانند سایر جوامع دیاسپورایی که مورد مطالعه قرار گرفته اند نهادهایی چون کلیسا، مدرسه، صنعت چاپ و نهادهای اجتماعی و اقتصادی نه تنها در حفظ هویت ارامنه دیاسپورا نقش داشته اند. بلکه به عنوان بخشی از ملت ارمنی در پدید آوردن ناسیونالیسم ارمنی که منجر به استقلال ارمنستان شد نقش مهمی را ایفا کردند.

اکنون برای بررسی عوامل مؤثر در تداوم فرهنگی و قومی ارامنه، به کمک مدل نظری طراحی شده به دنبال توصیف و تبیین چرایی و چگونگی این تداوم خواهیم رفت.

مدل نظری این مطالعه

با تلفیق دیدگاههای جنکینز و اسمیت، مدل نظری این مطالعه را به صورت زیر می توان خلاصه و ارائه کرد.

اندیشه بنیادی این مطالعه: - ارامنه ایران به عنوان یک گروه قومی باستانی که نزدیک به چهارصد سال است در ایران زندگی می کنند هویت قومی خود را همچنان حفظ کرده و تداوم یافته اند. مکانیسم ها: - تداوم و پایداری هویت قومی ارامنه در جریان فرآیندهای اجتماعی شدن و به کمک نهادها و سازمانهای اجتماعی موجود در این جامعه صورت گرفته است.

- فراهم بودن شرایط اجتماعی مساعد برای حفظ و انتقال عناصر فرهنگی هویت به تداوم و پایداری هویت ارمنی کمک کرده است.

رابطه ها: ۱) رابطه میان فعالیت و آموزه های نهادهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ارمنی با حفظ و تداوم (پایداری) هویت قومی آنها

۲) رابطه میان جایگاه اجتماعی ارامنه و تداوم و پایداری هویت قومی آنها

روش شناسی

در این پژوهش با استفاده از رویکردهای نظری و داده های تجربی به دنبال ارائه شناختی توصیفی و تبیینی از پدیده مورد مطالعه (هویت قومی ارامنه) هستیم.

۹۰.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

استراتژی این مطالعه بر پایه قیاس (آزمون برخی فرضیات برگرفته از نظریه های جامعه شناختی) قرار دارد. بر اساس این استراتژی، فرضیاتی که از دل نظریه های مورد استفاده استخراج شده اند. به کمک روشهای علمی گردآوری اطلاعات یعنی روشی پیمایشی و با استفاده از تکنیک و فن پرسشنامه به آزمون گذاشته می شوند.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری: جامعه آماری این مطالعه را ارمنه بالای ۱۵ سال شهر تهران تشکیل می دهند که جمعیت تقریبی آنها حدود ۵۵ هزار نفر است. نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران از میان این گروه به تعداد ۴۰۰ نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه ها از روشهای نمونه گیری سهمیه بندی و تصادفی استفاده شد.

توصیف گروه نمونه

نمونه مورد مطالعه این تحقیق ۴۰۰ مرد و زن ارمنی ساکن در محله های ارمنی نشین تهران بودند که ترکیب سنی، جنسی، وضعیت تحصیلی و شغلی آنها نشان می دهد که ۵۸ درصد پاسخگویان، زن و ۴۱ درصد مرد بوده اند. متوسط سطح تحصیلات گروه مورد مطالعه برابر دیپلم و از نظر وضع تاهل، نزدیک به ۷۴ درصد افراد دارای همسر (متاهل) بوده اند. وضعیت اشتغال آنها نیز نشان می دهد که حدود ۶ درصد در بخش دولتی، ۳۲ درصد (اکثر زنان) خانه دار، ۲۸ درصد در بخش خصوصی و ۱۶ درصد در مشاغل آزاد مشغول بوده اند.

یافته ها و دستاوردهای توصیفی و تحلیلی این مطالعه

مطالعات تاریخی و میدانی قبلی نشان میدهد که بقای قومی ملت ارمنی هم به واسطه شدت و قوت دلبستگی آنها به عناصر هویتی خود و هم در نتیجه ایجاد مکانیسم هایی برای حفظ و حراست از مرزهای فرهنگی خود بوده است. این دو موضوع، یعنی وجود محتوای فرهنگی و عوامل موثر در حفظ و بقای آنها موضوعاتی هستند که در این مطالعه بر اساس مبانی نظری آنتونی اسمیت (پارادایم نماد پردازی قومی) دنبال شده است.

دستاوردهای توصیفی

در مورد نقش خانواده در پایداری هویت قومی، ۹۹/۲ درصد پاسخگویان خانواده را از جمله عناصر اصلی انتقال ارزشها، هنجارها، فرهنگ و آداب ارمنی به نسلهای بعدی دانسته

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه..... ۹۱

بودند. در میان پاسخگویان به تفکیک جنس درصد زنانی که با این اثر گذاری موافق یا کاملاً موافق بودند بیش از مردان بوده است .

فرایند اجتماعی شدن در مدرسه و اثر گذاری آن بر انتقال برخی عناصر فرهنگی ارمنی نیز توسط ۹۲ درصد پاسخگویان مورد تایید قرار گرفت که در این مورد نیز درصد زنانی که به اثر گذاری فرایند اجتماعی شدن در مدرسه بر استمرار و پایداری هویت قومی اعتقاد داشتند ۱۲ درصد بیش از مردان بوده است .

گروه همالان به عنوان یکی از عناصر اجتماعی شدن اولیه و به عنوان یکی از نهادهای اولیه اجتماعی که عضویت نوجوانان را به همراه دارد از عوامل مؤثر بر استمرار و تداوم هویت قومی ارمنی شناخته شده و ۹۵ درصد پاسخگویان به درستی یا کاملاً درست بودن این موضوع نظر داده اند. در مورد اثر گذاری این متغیر نظرات دو گروه زنان و مردان به هم نزدیک بوده و همگرایی بیشتری در میان آنها مشاهده می شود.

وسایل ارتباط جمعی یکی از عوامل مؤثر در فرایند اجتماعی شدن هستند که در این پژوهش نزدیک به ۸۰ درصد پاسخگویان بر اثر گذاری این وسایل در آشنایی بیشتر آنها با عناصر فرهنگی، مذهبی و تاریخی ارمنی و در نتیجه استمرار هویت قومی خود تاکید کرده اند .

در این زمینه مقایسه میان مردان و زنان بیانگر تفاوت دیدگاههای آنها در این زمینه است . زنان ۱۵ درصد بیشتر از مردان به استفاده از این وسایل اشاره کرده اند.

تعالیم مذهبی (و فرهنگی اجتماعی) کلیسا و نهادهای مذهبی ارامنه از جمله عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه در طول تاریخ چند هزار ساله آنها شناخته شده اند . سایر محققان در حوزه هویت ارامنه نیز به نقش مهم کلیسای ارمنی در تاریخ و فرهنگ و حیات این قوم اشاره کرده اند ، در این پژوهش ۹۸ درصد پاسخگویان نقش این نهاد را در استمرار هویت قومی خود کاملاً درست یا درست دانسته و به انتقال و نشر عناصر هویتی ارمنی توسط کلیسا اشاره کرده اند . مقایسه نظرات مردان و زنان در مورد اثر گذاری این متغیر بیانگر همگرایی نزدیک دیدگاههای آنها می باشد.

در فرایند اجتماعی شدن ثانویه که از دوران جوانی و بزرگسالی تا آخر عمر هر فرد ادامه دارد، فعالیت های اقتصادی و مشارکت های داوطلبانه افراد در نهادهای مدنی اجتماعی (گروه های اجتماعی) از عوامل موثر در پذیرش هنجارها و ارزشهای مختلف اجتماعی شناخته شده اند. از همین روی، چگونگی فعالیت اقتصادی ارامنه در جامعه (درونگرا بودن یا برون گرایی آنها) مورد پرسش قرار گرفت و ۵۲/۵ درصد پاسخگویان ترجیح به فعالیت اقتصادی در کنار ارامنه را مطرح ساخته اند.

در مقایسه میان دو جنس زنان تقریباً دو برابر مردان (۶۱ درصد در برابر ۳۰ درصد) بر فعالیت اقتصادی در کنار ارامنه تاکید کرده اند.

مشارکت داوطلبانه در نهادهای مدنی ارمینی یا همان انجمنها و تشکلهای ارمینی مثل انواع باشگاهها، انجمنهای خیریه و تخصصی موجود از مصادیق سازمان های اجتماعی موثر بر فرایند اجتماعی شدن ثانویه هستند که حدود ۸۴ درصد پاسخگویان به آن اشاره کرده اند. مقایسه دو گروه مردان و زنان بیانگر فعالیت اجتماعی بیشتر زنان نسبت به مردان در چنین تشکلهایی می باشد.

سنجش دیدگاه پاسخگویان نسبت به شرایط اجتماعی ارامنه در مقایسه با مسلمانان بخصوص از نظر حقوق اجتماعی و استخدامی تحت عنوان متغیر رفتار دوگانه حکومت با ارامنه نسبت به مسلمانان صورت گرفت. پاسخهای ارائه شده بیانگر موافقت ۷۸ درصد پاسخگویان با پرسشهای (گویه های) مورد نظر بوده است. به بیان دیگر حدود ۸۰ درصد جمعیت مورد مطالعه ما قائل به وجود برخی تضادهای اجتماعی و استخدامی میان ارامنه و مسلمانان بودند. مقایسه میان دیدگاه های زنان و مردان پاسخگو در این زمینه بیانگر همگرایی نزدیک هر دو جنس می باشد.

در این مطالعه درون گرایی ارامنه به عنوان نتیجه ای از رفتار دوگانه حکومت در نظر گرفته شده بود که نتایج ارائه شده بیانگر آن است که از نظر ۷۸ درصد پاسخگویان رفتار حکومت و تفاوت در حقوق اجتماعی و استخدامی باعث درون گرایی آنها شده است.

به این ترتیب بررسی توصیفی داده ها نشان داد که عناصر هویتی ارمینی در گروه مورد مطالعه در حد بالایی وجود دارد و توسط آنها به نسلهای بعدی هم منتقل می شود.

دستاورد های تحلیلی

یکی از سؤال های مطرح شده در این مطالعه مربوط به تأثیر گیری ویژگی های فردی (جنسیت ، شغل ، تحصیلات ، سن) در میزان حضور عناصر هویتی ارمنی (عناصر فرهنگی و دینی) در زندگی افراد مورد مطالعه بود که به کمک آزمونهای T (برای بررسی رابطه میان جنسیت افراد و هویت قومی آنها) ، F (برای بررسی رابطه میان تحصیلات و شغل پاسخگویان با عناصر هویتی) و آزمون همبستگی پیرسون (برای بررسی رابطه میان سن پاسخگویان و هویت قومی آنها) مورد بررسی قرار گرفت.

در حالیکه در آزمون T وجود تفاوت معنا دار میان میانگین پاسخهای زنان و مردان مشاهده شد و این موضوع به معنای تفاوت دو گروه در زمینه میزان حضور عناصر هویت قومی در زندگی آنها و شدت و قوت این عناصر بود، و آزمون T نیز نشان داد که در برخی گروه های تحصیلی و شغلی رابطه بیشتری با تداوم و پایداری هویت قومی آنها مشاهده می شود، ولی در نهایت اجرای آزمون همبستگی پیرسون برای کل متغیر ویژگی های فردی با پایداری هویت قومی ارمنی نشان دهنده همبستگی معکوس وضعیت میان این دو متغیر بود.

در مبانی نظری پژوهش نیز هنگامی که از شکل گیری هویت اجتماعی در خانواده صحبت شد و نیز مورد شکل گیری هویت قومی در مراحل اولیه زندگی ، تفاوتی میان دختران و پسران یا دو گروه جنسیتی گذاشته نشده است . در واقع هر دو گروه بصورت یکسان در جریان فرآیندهای اجتماعی شدن اولیه با عناصر هویتی خانواده و خویشاوندان خود آشنا شده و در مدرسه و گروه دوستان نیز بر حسب میزان تعامل با اعضای درون گروه ارتباط بیشتری با ارزشها و هنجارهای گروهی پیدا می کنند . به عبارت دیگر روابط خویشاوندی و شرایط زندگی ارامنه در تهران (بر اساس مطالعه روی نمونه انتخاب شده) به گونه ای بوده است (و نیز ادامه دارد) که کودکان ارمنی در اغلب مراحل زندگی اجتماعی خود تا سن مدرسه و در مدرسه در تماس بیشتر هم کیشان و دوستان ارمنی و اعضای گروه خویشاوندی خود قرار دارند . از این جهت تفاوتی میان دختر و پسر وجود ندارد. بنابراین بصورت یکسان به ارزشها و هنجارهای اجتماعی جامعه بزرگتر و جامعه کوچکتر (گروه قومی خود) در تماس و تعامل می باشند. از طرف دیگر با وجود تحصیل

در مدارس ارمنی، کودکان ارمنی با نظام آموزشی سراسری کشور پیش رفته و با زبان، فرهنگ، ارزشها و هنجارهای جامعه ایرانی (براساس هویت ملی خود) آموزش داده می شوند، لذا فرآیند اجتماعی شدن آنها در مدرسه تا حدودی تابع برنامه ها و فعالیت های فرهنگی گروه قومی آنها بوده و تنها در بخش تعالیم دینی است که صرفاً با مباحث دینی خود آشنا می شوند.

در مرحله بعدی ورود به جامعه که با تحصیل در دانشگاهها یا اشتغال در مراکز بخشهای اقتصادی گروه همراه است. گروهی از آنها بنا به ترجیح شخصی خود و یا تحت تأثیر علایق و تعلقات گروهی، فعالیت اقتصادی در کنار جامعه ارامنه و نزدیک به آنها را بر می گیرند. اما گروهی دیگر (حدود ۵۰ درصد) وارد جامعه شده و در تعامل با سایر ایرانیان فعالیت اقتصادی خود را آغاز می کنند و به این ترتیب در تعامل بیشتر با اعضای جامعه بزرگتر قرار گرفته و براساس جایگاههای اجتماعی خود و نیز وابستگی های گروهی جدیدی که پیدا می کنند، نقش های اجتماعی مختلفی را بعهده گرفته و به این ترتیب تحت تأثیر فرآیند های اجتماعی شدن ثانویه، در تماس با ارزشها و هنجارهای جامعه ایرانی قرار می گیرند و هویت ایرانی را همراه با عناصر فرهنگی و اجتماعی آن درونی می کنند.

در واقع براساس تفکیک اسمیت میان دو دسته عناصر ذهنی و عینی هویت، اهمیت بیشتر عناصر ذهنی و رابطه احساسی و عاطفی اعضای گروه قومی با عناصر و تعلقات هویتی و قومی خود و با توجه به ویژگی گزینشی بودن و موقعیتی بودن هویت های افراد، ارمنیان نیز برحسب موقعیت های اجتماعی که در آن قرار می گیرند به ابراز عناصر عینی هویت خود می پردازند و در سایر موقعیت ها، وابستگی های ذهنی خود را حفظ می کنند. در بررسی میزان حضور عناصر ذهنی و عینی هویت ارمنی در زندگی ارامنه تهران و ضرورت انتقال آن به نسلهای بعدی که از آن با عنوان «پایداری هویت قومی» یاد کردیم؛ به کمک مبانی نظری، دیدگاه آنتونی اسمیت، و مطالعات مشابه در باره عناصر هویت ارمنی در خارج از کشور، مجموعه عناصری را که هویت ارمنی را تشکیل می دهند و به صورت عام در میان ارامنه جهان دیده می شوند، شناسایی کرده و حضور و چگونگی انتقال آنها به نسلهای متوالی ایرانی را به پرسش گذاشتیم. استفاده از برخی نمادها و نامها

هویت قومی ارمنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارمنه.....۹۵

و باز تولید آنها را در مراسم و آیین های کلیسایی ارمنی و در تقویم اختصاصی آنها نیز می توان یافت .

دین، زبان و خط ارمنی از اولین مشخصه های هویتی آنها می باشند که در میان ارمنه ایران نیز حضوری پررنگ دارند. نتایج توصیفی این مطالعه نیز نشان داد که ارمنیان تهران (وکل کشور) در خانواده ، گروه خویشاوندی و دوستان با زبان ارمنی سخن گفته و کتاب ارمنی را نیز در خانواده و در مدارس به کودکان می آموزند. دین مسیحی ارمنی که در قالب کلیسای مستقل مرسلی ارمنه نمود پیدا می کند ، هم به عنوان بخشی از هویت آنها و هم به عنوان نهادی برای حفظ مرزهای فرهنگی این گروه قومی در جامعه ارمنیان ایران حضوری پررنگ دارد. نتایج توصیفی و نتایج تبیینی این مطالعه نیز نشان دادند که ارمنه به کلیسای خود افتخار کرده و آن را جزیی از هویت خود می دانند . همچنین به اعتقاد آنها کلیسا در انتقال آداب و مناسک دینی فعالیت مناسبی دارد .

این سه عنصر اساسی هویت ارمنی، مبنای آداب ، مناسک ، جشنها و برنامه های فرهنگی گسترده ای در جوامع ارمنی دنیا شده اند. اختراع خط ارمنی ، ترجمه کتاب مقدس به زبان ارمنی و تشریف آنها به دین مسیحیت ، سه واقعه تاریخی مهم هستند که تبدیل به بخشی از خاطرات جمعی این مردم شده و تاریخ های مربوط به این وقایع در تقویم ارمنی به عنوان هفته فرهنگ (اختراع خط ارمنی)، جشن ترجمه ، تولد و مرگ مخترع خط ارمنی، مترجم کتاب مقدس و تولید و مرگ گریگور مقدس ثبت شده است.

تعدادی از جشنهای جامعه ارمنی به این حوادث مربوط می شود و همه ساله در هفته فرهنگ ، نمایشگاههای کتاب، برنامه های تئاتر ، سخنرانی و جشن هایی در مدارس و انجمنهای ارمنی برگزار می شود. محقق این فرصت را داشت که در هفته فرهنگ سالجاری (آبان ۸۸) شاهد برخی مراسم آنها باشد. برگزاری نمایشگاه کتاب در صحن کلیساهای آنها و برنامه های فرهنگی مدارس برای بازدید کودکان از نمایشگاه کتابهای چاپ شده به زبان ارمنی و برپایی نمایشگاه روزنامه های دیواری تهیه شده توسط دانش آموزان مدارس که همگی حاوی تصاویر ماشوتوس مقدس (مخترع خط ارمنی) بودند بخشی از این مراسم و برنامه های فرهنگی است که باز تولید و انتقال این

عناصر هویتی به نسلهای بعدی را نشان می دهد. (تصاویری از نمایشگاه کتاب و کارهای دانش آموزان در بخش پیوستها آمده است).

در نتیجه باتوجه به آنکه مذهب ، خط و زبان ارمنی از عناصر باستانی و ویژگیهای تاریخی ارمنی بودن محسوب می شوند و به تعبیر پانوسیان همین عوامل ارامنه را قادر ساخت تا دوران مدرن به حیات خود ادامه دهند (23 : panossian 2005)، می توان از نظر وجود این بخش از عناصر عینی هویت در ارمنیان ایران ، به بقای قومی و پایداری هویتی آنها پی برد.

خاطرات جمعی و اسطوره ها از دیگر عناصر فرهنگی سازنده هویت یک گروه قومی هستند که هم آنتونی اسمیت نظریه خود را به مبنای تأکید بر این عناصر ساخته است و هم مطالعات در مورد قوم ارمنی بیانگر حضور این عناصر در هویت ارامنه و اثر گذاری آنها در استمرار قومی آنها در طول تاریخ می باشد.

از مهم ترین خاطرات جمعی ارمنیان که در تقویم آنها نیز ثبت شده و هر ساله یادبود آنها برگزار می شود، یکی خاطره جنگ ارامنه بادولت ساسانیان است که علیرغم شکست ارامنه باعث کاهش فشار ساسانیان برای تغییر دین آنها از مسیحیت به زرتشتی شد و باعنوان « جنگ و ارتاناتک » شناخته می شود . خاطره دیگری که مربوط به اوایل قرن بیستم است ولی اثر ماندگاری در هویت ارامنه پیدا کرده است، واقعه نسل کشی ارامنه در آوریل ۱۹۱۵ توسط دولت عثمانی است . اهمیت این واقعه به دلیل مرگ صدها هزار ارمنی در جوامع ارمنی جهان (از جمله ایران) به اندازه ای است که هر ساله یادبود آن توسط کلیسا بصورت راهپیمایی با تجمع اعتراض آمیز در محکومیت اقدام دولت عثمانی در تهران و شهرستانها (اصفهان و تبریز) برگزار می شود و حتی نمادهایی برای احترام به کشته شدگان ارمنی در آن تاریخ ، در محوطه تعدادی از کلیساهای تهران ایجاد شده است و ارامنه بر اساس اعتقادات شخصی خود با اهداء گل به این بناهای یادبود، احترام خود را به کشته شدگان ابراز می دارند. تصاویری از این بناها در بخش پیوست ها آمده است.

هرملت باستانی دارای تعدادی اسطوره از قهرمانان واقعی یا خیالی ویا اسطوره هایی درمورد برگزیدگی خود می باشد. اسطوره برگزیدگی ملت (قوم)ارمنی هم در داستان « هایک دیل» نمود

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۹۷

پیدا می کند. داستانی که بر مبنای آن ارامنه از فرزندان حضرت نوع (ع) تلقی شده و ارمنستان مهد تمدن مسیحی معرفی می شود. اسطوره ای که به عنوان یکی از اجزاء قدرتمند نمادین در جامعه ارمنی ، همواره در میان ناسیونالیست ها بکار گرفته می شد (همان: ۵۲). داده های این مطالعه نشان داد که این اسطوره و سایر اسطوره های موجود در میان ارامنه (داستان شجاعان ساسون) در میان ارامنه تهران (گروه مورد مطالعه) حضوری پررنگ داشته و در خانواده ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. به این ترتیب می توان با توجه به نتایج بدست آمده ، به تأیید فرضیه ای که در مورد بازتولید خاطرات جمعی و اسطوره ها مطرح شده بود، پی برد و یکی از دستاوردهای نظری این مطالعه را اثبات نظریه اسمیت در مورد نقش اسطوره ها و خاطرات جمعی در استمرار قومی ارمنیان دانست . دستاوردی که در مطالعات مشابه در خارج از کشور نیز قبلاً تأیید نظریه اسمیت را به دنبال داشته است.

کوه آرارات از مهم ترین نهادهای سرزمینی ارمنیان است که بخصوص در جوامع ارمنی پراکنده در جهان ، به شکل های مختلف از نام یا تصاویر آن به عنوان مظهری از سرزمین مادری یا اصلی ارامنه یاد می شود. نام گذاری مدارس و باشگاه های ارمنی با نام آرارات در تهران و استفاده از تصاویر این کوه باشکوه و نماد سرزمینی از موضوعاتی بود که در این مطالعه به آنها پرداخته شد. وجود باشگاه فرهنگی، ورزشی آرارات و مدارس ارمنی به نام آرارات در تهران و استفاده خانگی از این نماد (عکسها و پوسترهای کوه آرارات) توسط پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته .

نام ها و نام گذاری ها بر اساس بازگشت نمادین به گذشته تاریخی، از دیگر ویژگی های هویتی ارمنی شناخته شده اند، که حضور آنها را از اولین روزهای سکونت دسته جمعی ارامنه در اصفهان ایران ، با نام گذاری محله ارمنی ها به عنوان جلفای نو به یاد سکونتگاه اصلی مهاجران ، می توان مشاهده کرد. کاربرد نامهای مقدس و خاطره انگیز ارمنی در اسامی کلیساها، مکانها، مدارس ، انجمنها و نشریات ارمنی تهران (ایران) دلالت دارد بر اینکه ارامنه ایران هم با بکارگیری این نامها ، به دنبال زنده نگاه داشتن یاد سرزمین اصلی خود بوده اند. ایده بازگشت به سرزمین اصلی و یا حداقل آرزوی دیدار مجدد آن در ارامنه ایران در طول تاریخ وجود داشته است. به عنوان مثال

هنگامی که ارمنستان تحت سیطره روسیه قرار می گیرد، ارامنه فرصت بازگشت به سرزمین خود را پیدا می کنند و گروهی (برابر ۳۰هزار یا بیشتر) به ارمنستان باز می گردند. ولی پس از آن دیگر امکان بازگشت وجود نداشته ، لذا آرزوی سفر به ارمنستان و دیدار سرزمین اصلی همچنان در نسلهای بعدی باقی می ماند. در این تحقیق هم از ارامنه در مورد علاقه به دیدار ارمنستان سؤال شده بود که اکثریت آنها به داشتن چنین آرزویی اعتراف کردند و هنگامی هم که از آنها پرسیده شد ، آیا به دیدار ارمنستان (پس از استقلال) رفته اند، اکثریت پاسخ مثبت دادند .

نتیجه گیری

این مطالعه نشان داد که عناصر ذهنی هویت ارمنی شامل احساس تعلق به جامعه ارمنی، اسطوره های برگزیدگی ، ایده بازگشت به سرزمین اصلی یا دیدار آن و خاطرات جمعی تاریخی ؛ و عناصر عینی هویت ارمنی شامل مذهب یا کلیسای ارمنی، خط و زبان ارمنی، موسیقی ، آداب و رسوم و سنتهای ارمنی (جشنها و آداب و مناسک) در جامعه ارمنی مورد مطالعه با قوت حضور داشته و در فرآیندهای فرهنگ پذیری و جامعه پذیری از نسلی به نسلهای بعدی منتقل می شوند. نتایج آزمونهای آماری و تحلیلهای رگرسیونی و تحلیل مسیر هم با تأیید وجود رابطه های علی میان متغیرهای مستقل و وابسته ، فرضیه های مستخرج از مبانی نظری این مطالعه را تأیید کردند. لذا می توان ادعا کرد این مطالعه در ادامه مطالعات مشابه در خارج از کشور در مورد دیاسپورای ارمنی ساکن در امریکا ، استرالیا و کانادا ، مؤیدی بر نظریه نماد پردازی قومی اسمیت و مبانی نظری شکل گیری هویت اجتماعی قومی (جنکینز) می باشد. نکته قابل توجه در این تحقیق، قوت هر دو دسته عناصر ذهنی و عینی هویتی در میان ارامنه مورد مطالعه است که تاکید بیشتر اسمیت بر اهمیت عناصر ذهنی را در استمرار قومی تا حدودی با پرسش مواجه می کند . این تمایز می تواند ناشی از شرایط جامعه میزبان و چگونگی امتزاج و همزیستس دو جامعه اقلیت و اکثریت با یکدیگر باشد. جامعه ارمنی ایران از جمله جوامع سنتی ارمنی در میان سایر جوامع دیاسپورایی ارمنی است و از این جهت وابستگیها و پیوندهای عمیق تری را با عناصر هویتی خود حفظ کرده است.

هویت قومی ارامنه : مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه.....۹۹

در بخش توصیفی این پژوهش و به هنگام بیان جایگاه اجتماعی ارامنه در مقاطع مختلف تاریخ ایران ، مشخص شد که به علت رفتار خوب شاه عباس صفوی با آنها که تا حدودی به دنبال اهداف اقتصادی و با توجه به نقش اقتصادی ارامنه در کشور صورت گرفت و نیز به دلیل سازگاری ارامنه با جامعه ایران و احترام متقابل میان مسلمانان و ارامنه . این گروه قومی در عین حفظ مرزهای فرهنگی خود، همواره در نگاه اکثریت به عنوان گروهی سازگار ، همراه و دوستدار میهن شناخته شده اند و هرگز تزاخم اجتماعی جدی میان آنها با مسلمانان رخ نداده است .

وجود برخی محدودیت های اجتماعی و تمایزهای حقوقی که نمی توان بر آنها نام تبعیض را نهاد ، اغلب به دلیل تفاوت های مذهبی و احکام دینی است و مقدار اندک و ناچیزی از آن را می توان به حساب تفاوت جایگاه های گروه ارامنه نسبت به مسلمانان دانست . این نکته در پاسخهای ارائه شده از سوی آنها مشهود است و لذا هنگامی که سخن از هویت ملی به میان می آید ارامنه خود را یک ایرانی کامل دانسته و حتی به داشتن این هویت ملی افتخار می کنند . نتایج مصاحبه با برخی چهره های مذهبی و دانایان قومی هم بیانگر دل بستگی بالای ارامنه ایرانی به ایران و هویت ملی خود بود.

حوادث و وقایع تاریخ اخیر ارمنستان نیز اگر چه استقلال این کشور را پس از هزاران سال به دنبال داشت و می توانست زمینه ساز بازگشت ارامنه به کشور و سرزمین مادری ارامنه باشد، در مورد ارامنه ایران ، باعث بازگشت آنها به سرزمین اصلی نشد ، بلکه تنها آرزوی دیدار سرزمین اصلی ارامنه را تحقق بخشید .

تفاوت های اجتماعی ، فرهنگی و حتی زبانی ارامنه ایران با ارامنه ساکن در ارمنستان غربی و سرزمین اصلی ارمنستان از یک طرف و قرابت و نزدیکی فرهنگی چند قرنه آنها با ایرانیان مسلمان از سوی دیگر عامل مهم پیوندهای فرهنگی و اجتماعی آنها با این سرزمین به عنوان سرزمین مادری و میهن ملی است .

در مصاحبه با اسقف اعظم ارامنه تهران . ایشان نیز با ذکر مثالهایی چند وجود تفاوت در جایگاه های اجتماعی و برخی حقوق اجتماعی را امری طبیعی قلمداد کرده و ضمن مقایسه وضعیت ارامنه

در ایران با ارمنه سایر کشورها، تفاوت بارزی را از این جهت، در میان جوامع ارمنی دور از وطن ذکر نکردند. به گفته ایشان وجود اینگونه تفاوتها را حتی در میان گروههای مختلف اجتماعی از یک مذهب و ریشه قومی هم می توان مشاهده کرد. با توجه به همین ویژگیهاست که بیش از ۸۸ درصد ارمنه در پاسخ به گویه های پرسشنامه، خود را ایرانی دانسته و در همان حال در مقایسه میان عناصر هویتی ایرانی و ارمنی، الویت را به عناصر ارمنی (یعنی عناصر فرهنگی ای که در جریان اجتماعی شدن اولیه به آنها منتقل می شود) داده اند. بطوریکه میانگین پاسخهای مربوط به هویت ارمنی ۴/۴ و میانگین پاسخهای مربوط به هویت ایرانی ۳/۱ را نشان می دهد.

پی نوشت ها

- 1-situational
2-selective
3-Alphabet identity
4-Eriksen hyland

منابع

۱. اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم، نظریه ایدئولوژی تاریخ*. ترجمه منصور انصاری. تهران: انتشارات تمدن ایرانی، موسسه مطالعات ملی،
۲. اوز کریمی، آمون (۱۳۸۳). *نظریه های ناسیونالیسم*. ترجمه محمد علی قاسمی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی،
۳. بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). *طراحی پژوهشهای اجتماعی*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: نشر نی،
۴. پادماگریان، الکساندر (۱۳۵۲). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ارمنه*. ترجمه گیو آقاسی. تهران: انتشارات سازمان فرهنگی یاد،
۵. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یار احمدی. تهران: شیرازه،
۶. رائین، اسماعیل (۱۳۴۹). *ایرانیان ارمنی*. تهران: امیر کبیر،
۷. زرگر، افشین (۱۳۸۷). وضعیت روند دولت - ملت سازی در جمهوری ارمنستان. *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۲
۸. سرکیسیان، سبوه (۱۳۸۲). *ارمنه ایران. فصلنامه تخصصی هفت آسمان*. شماره ۱۹، ۱۳۸۲
۹. گودرزی، حسین (۱۳۸۲). *گفتارهایی درباره جامعه شناسی هویت در ایران*. تهران: موسسه مطالعات ملی، نشر تمدن ایرانی،
۱۰. گودرزی، حسین (۱۳۸۷). *الکونین جامعه شناختی هویت ملی در ایران: با تاکید بر دوره صفویه*. تهران: تمدن ایرانی،
۱۱. گودرزی، حسین (۱۳۸۵). *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی،
۱۲. گیبیرنا، مونترات (۱۳۷۸). *مکاتب ناسیونالیسم*. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه،
۱۳. هوویان، آندرانیک (۱۳۸۰). *ارمنیان ایران*. تهران: مرکز گفتگوی تمدن ها، انتشارات هرمس،
14. Abrahamian, Levon, (2006). *Armenian in a changing world*, Costa Mesa, CA; Mazda publishers.
15. Abrahamian, Levon & Sweezy, Nancy (2001). *Armenian Folk, Arts, Culture and Identity* Bloomington: Indiana press
16. Dudwic, Nora C (1994). *Memory, politics and Identity in Armenia*, university of Pennsylvania.

17. Eriksen Hyland, Thomas (2002) **Ethnicity and Nationalism**. London: Pluto press, second Ed.
18. Hovannisian, Richard G. and Myers, David N (1999) **Enlightment and Diaspora**: The Armenian and Jewish cases. Atlanta, Georgia: scholars press.
19. Jenkins, Richard (2008). **Rethinking Ethnicity** London, sage.
20. Kokot, Waltraud, Toloyan, Khachig & Alfonso, Carolin (2004) **Diaspora, Identity and Religion**: New Directions in theory and Research. London: Routledge.
21. Kotchikian, Asbed (2005) **Between (Home) Land and Host (Land)**: Lebanese Armenians of Ethnicity. London: Sage.
22. Malesevic, Sinsia (2004). **Sociology of Ethnicity**. London: Sage.
23. Nalbandian, Louise (1963) **The Armenian Revolutionary Movement**. The Development of Armenian Political Through The Nineteenth century, California: university of California press.
24. Panossian, Razmik (2006). **The Armenians from kings and priests to Merchants and commissars**. London: Hurst.
25. Papazian, Oshagan Emma (1996). "Dimensions of Armenian Ethnic Identity as perceived by Immigrant Armenian young people Adults". Ph.D, California, school of professional psychology, Fresno.
26. Richard C (1999) **Enlightment and Diaspora**. Atlanta, Georgia: scholars press
27. Schaefer, Richard T. (1997) **Racial and Ethnic groups**. seventh Ed., united states: Longman press.
28. Verkuyten, Maykel (2005) **The social Psychology of Ethnic Identity**. Psychology press.
29. Zekiyian, Boghos Levon (1999) **The Armenian way to Enlightenment**: The Diaspora and its Role. In Hovannisian,

